



آسیب‌ها و تأثیرات روابط نامشروع بر آینده دختران

تأثیر پذیری دختر در بستر احساسات و عواطف، بسیار بیشتر از پسر است؛ به طوری که زن در بسیاری از رخدادهای زندگی، به مسائل به صورت عاطفی می‌نگرد و این احساسات و عواطف اوست که نقش تعیین کننده‌ای در زندگی او دارد.

تأثیر پذیری دختر در بستر احساسات و عواطف، بسیار بیشتر از پسر است؛ به طوری که زن در بسیاری از رخدادهای زندگی، به مسائل به صورت عاطفی می‌نگرد و این احساسات و عواطف اوست که نقش تعیین کننده‌ای در زندگی او دارد.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا همواره در فرایند روابط خارج از عرف و شرع میان دختر و پسر، جنسی که معمولا در معرض بیشترین آسیب‌هاست، جنس دختر است.

از طرفی فارغ از ضربات روحی و روانی جبران ناپذیری که معمولا در پایان این روابط نصیب دختر می‌شود، متاسفانه در جامعه ما نسبت به دخترانی که در گذشته خود رابطه خارج از عرف و شرع داشته‌اند، بسیار حساس است، بطوری که حتی با وجود توبه از سوی دختران خطاکار، کمتر کسی برای انتخاب همسر به سراغ اینگونه دختران می‌رود و این اتفاق ضربه سنگینی بر آینده این چنین دخترانی است.

اما به راستی چرا در دوستی‌ها و روابط خارج از عرف و شرع، دختران بیشترین آسیب را می‌بینند؟

مسئله علاوه بر تفاوت‌ها و تمایزات فردی، روحی و اخلاقی که در تک تک انسان‌ها وجود دارد، میان زن و مرد، تفاوت‌ها و تمایزات روان شناختی و فیزیولوژیکی آشکارتر می‌شود.

چه بسا بتوان با جسارت بالایی گفت که اولین و مهمترین تفاوت روان شناختی میان زنان و مردان، به عواطف و احساسات قوی زنان مربوط است. از این رو محور اصلی روحیات زن که او را از مرد جدا می‌کند، عواطف و احساسات اوست.

به همین خاطر است که تأثیر پذیری دختر در بستر احساسات و عواطف، بسیار بیشتر از مرد است؛ به طوری که زن در بسیاری از رخدادهای زندگی، به مسائل به صورت احساس‌گونه و عاطفی می‌نگرد و این احساسات و عواطف اوست که نقش تعیین کننده‌ای در زندگی او دارد.

همچنین غالب بودن جنبه عاطفی در زن، می‌تواند به این دلیل باشد که خدای متعال زن را برای انجام نقش مادری مهیا کرده و معیار نگهداری از حیات زوجیت و زناشویی او را در مؤنث بودنش قرار داده است. به عبارت دیگر؛ تفاوت‌های روحی و روانی میان زن و مرد، به دلیل نقش متفاوتی است که هر یک از آنان در خانواده و جامعه، ایفا می‌کنند.

هنگامی که عواطف و احساسات هریک از زن و مرد مورد بررسی و در کنار هم قرار داده می‌شود، به اوج تعادل بخشی خداوند در خلقت بشر می‌رسیم؛ زیرا خدای متعال، زن را برای مادری، مراقبت و تربیت فرزندان برگزیده و با توجه به برتری حالات روحی، عاطفی و احساسات او چنین انتخابی برای او بهترین انتخاب بوده است و تنها زن است که می‌تواند با چنین روحیاتی از عهده این مسئولیت بر آید. از سویی دیگر، عشق و عاطفه مادر به فرزند و صبر و تحمل در برابر تمامی مشکلات فرزند، از ابتدای بارداری تا به انتها همه نشأت گرفته از این حالت عاطفی و احساسی زن می‌باشد.

از طرفی، تمام خلقت عالم، بر اساس نظم و عدالتی است که خدای متعال قرار داده است و کوچک ترین نابخردی و ناموزنی در نظام آفرینش وجود ندارد و اگر این تفاوت‌ها و تمایزات روحی و روان شناختی نبود، دیگر این دو (زن و مرد) چگونه می‌توانستند همدیگر را جذب کنند؛ چرا که کمبود برخی از حالات و صفات در دیگری موجب شده تا آنان در جنس مخالف خود جویا باشند و با قراردادن این دو (زن و مرد) در کنار یکدیگر و تکمیل کردن همدیگر، تکامل زن و مرد، به کمک هم محقق می‌شود.

از سویی، خدای متعال طبق فرموده‌ی قرآن کریم، انسان را برای رسیدن به تکامل الهی آفریده و هدف از خلقت نیز رسیدن به خداوند است و این کمال هم با قرارگرفتن زن و مرد در کنار هم بوجود می‌آید. همچنانکه قرآن کریم در این باره فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ ما جن و انس را جز برای عبادت و پرستش نیافریدیم.» [1]

استاد شهید مطهری (ره) درباره این آیه قرآن می‌گوید: «این که قرآن گفته ما جن و انس را جز برای عبادت خلق نکردیم و از طرفی عبادت مراتبی دارد، معلوم است که هدف اصلی، مرتبه پایین نیست؛ بلکه مرتبه عالی است... هدف، همان حقیقت است؛ یعنی خدا هدف است. در منطق اسلام، هدف فقط یک چیز است و آن خدا است. اصولاً توحید اسلام جز این اقتضا نمی‌کند.» [2]

هدف یا اهداف از روابط دختر و پسر

در روابط و دوستی‌های دختر و پسر، عموم دختران به دلیل غلبه نیاز عاطفی‌اشان، به صورت صادقانه، نسبت به طرف مقابل عشق می‌ورزند و گمانشان این است که طرف مقابل هم صادقانه به آن‌ها عشق می‌ورزد، در حالی که واقعیت این است که عموم پسران در اینگونه روابط، دختران را به عنوان ابزاری برای برطرف کردن نیازهای غریزی‌شان نگاه می‌کنند و درست زمانی که نیازهای غریزی‌شان ارضاء شد، دیگر انگیزه‌ای برای ادامه دادن این رابطه ندارند.

از طرفی روشن است که در هر رابطه دختر و پسر، دختر معمولا به هدف ازدواج تن به چنین رابطه‌ای می‌دهد، ولی پسر غرض و نیتی دارد که در نهایت به یکی از این دو هدف منجر می‌شود: 1. رابطه به قصد و هدف ازدواج 2. رابطه به قصد برطرف کردن نیازهای غریزی اگر هدف از رابطه، قصد ازدواج باشد، اولاً از کجا معلوم که پسر راست می‌گوید و قصد فریب دختر را نداشته باشد؟! اگر هم راست بگوید چه تضمینی وجود دارد که بعد از گذشت مدتی به دلایل (موجه یا ناموجه) نظرش عوض نشود یا نتواند خانواده‌اش را راضی کند.

اگر هم پسر قصد سوئی از این رابطه داشته باشد، بطوری که به دنبال سوءاستفاده و ارضای نیازهای خودش باشد، که در آن صورت مسأله کاملا واضح است و هیچ دختر عاقلی به خود اجازه نمی‌دهد که عفت و پاکدامنی خویش را از این بابت، لکه دار کند.

چگونه می‌توان پی به قصد و نیت پسر در چنین روابطی برد؟

ملاک و معیار سنجش علاقه پسر در جامعه ما این است که پسر به صورت رسمی همراه با خانواده‌اش به خواستگاری دختر خانم برود و

اقدام کند. پسری که به صورت رسمی و با خانواده اقدام می‌کند، دو پیام را به طرف مقابل می‌رساند:

1. متعهد و مسئولیت پذیر است؛ زیرا اگر اینگونه نبود حاضر نبود به صورت رسمی این مسئولیت و تعهد را برای خودش به جان بخرد.
2. انسان هوس باز و عیاشی نیست؛ زیرا در غیر اینصورت می‌توانست دست به روابط پنهانی و بی تعهد بزند و نیازش را طوری دیگر برطرف سازد و دیگر چه نیازی به ازدواج داشت که تعهدآور و مسئولیت آورست.

از این رو، هر پسری به غیر از این راهی که گفته شد، اقدام کند، نمی‌توان نگاه خوشبینانه‌ای به قصد و نیتش، داشت. لذا اگر پسری به دختری علاقه مند باشد، در اسرع وقت، به صورت رسمی و همراه با خانواده از دختر مورد علاقه خود خواستگاری کرده و هیچ گاه دست به نوع این روابط که جنسش خطرناک، استرس‌زا و در نهایت مشکل‌ساز است نمی‌زند؛ زیرا می‌داند که این نوع روابط برای دختر اضطراب‌زاست و با فاش شدن آن به معشوقش ضربه می‌خورد. بنابراین اگر دختران امروزی جامعه به این ملاکی که اشاره شد توجه کنند، هیچ گاه دچار آسیب‌های روابط دختر و پسر نخواهند شد.

متأسفانه مشکل اصلی در ارتباط با پسران، زوایه دیدی است که دختران نسبت به این مسائل دارند. دختران از زوایه احساسات، صداقت و در ادامه با اعتماد به این گونه روابط آغاز می‌کنند و در آخر با ندامت و پشیمانی تمام می‌کنند. در حالی که پسران از زوایه‌ی دیگری که دقیقاً مقابل زوایه دید آن‌هاست به این موضوع نگاه می‌کنند.

از این رو اگر پسری ادعای علاقه و ازدواج به دختری را بکند، ولی از دختر خواست که یک طرفه خطرپذیر باشد، آیا می‌توان به او اعتماد کرد؟ اگر پسری، به جای احترام به دختر مورد علاقه خود و اقدام رسمی، قدم اول را از خیابان برداشت و به حریم شخصی او وارد شد، آیا می‌توان به نیت او خوشبین بود؟

چه اشکالی دارد که دختر و پسر، یک رابطه و دوستی عادی داشته باشند؟

این طور تصور نشود که هر گونه رابطه و کلامی میان دختر و پسر رد و بدل شود، جنبه منفی دارد و باید جلوی آن گرفته شود، بلکه گاهی لاجرم و به ضرورت، رابطه کلامی و حداقلی، میان دختر و پسر ایجاد می‌شود که در چنین مواردی معمولاً مشکل ساز نیست، ولی در بیشتر اوقات که ضرورتی نیست، این رابطه‌ها خارج از عرف و شرع به وجود می‌آید که می‌تواند برای هر یک از دختر و پسر به ویژه دختر مشکل ساز باشد.

اینگونه روابط دختر و پسری همانند راه رفتن روی لبه پرتگاه است. البته راه رفتن روی لبه پرتگاه، باعث سقوط فرد نمی‌شود، ولی خطرناک است. لذا نمی‌توان گفت که راه رفتن روی لبه پرتگاه مشکل ساز نیست.

خطرناکی اینگونه روابط به این خاطر است که با بوجود آمدن علاقه شدید میان آن دو، حساب شده و منطقی رفتار نمی‌کنند. همچنانکه امام علی علیه‌السلام در این باره فرموده است: «حُبُّ الشَّيْءِ يُعْمَى و يُصِمُّ؛ علاقه به چیزی، انسان را کور و کر می‌کند.» [3] و این کور و کری، انسان را در معرض اشتباهات و خطاهای پی در پی قرار می‌دهد.

چه بسا عده‌ای هم با همان نیت ازدواج، بعد از مدتی رابطه، بتوانند با فرد مورد نظرشان ازدواج کنند، ولی جدای از حکم شرعی، آیا این موضوع، می‌تواند دلیلی برای جواز اینگونه دوستی‌ها باشد؟

در آموزه‌های دینی، بودن زن و مرد نامحرم در مکان خلوتی که دیگری در آن راه ندارد، حرام است. حال ممکن است موارد متعددی پیش بیاید که دختر و پسری با هم رابطه داشته باشند و هیچ گناهی صورت نگیرد، ولی این مسأله بیشتر جنبه بازدارندگی دارد و از احتمال بروز یک گناه و سقوط اخلاقی جلوگیری می‌کند. دقیقاً به همین جهت است که دختر و پسر لازم است از دوستی دختر و پسری با هر نیت و قصدی پرهیز کنند.

البته صحبت عادی میان دختر و پسری که هر دو فامیل و یا آشنای نزدیک هم هستند و در حضور جمع که مبادی به آداب هم باشد، معمولاً مشکل ساز نیست. بلکه منظور آن محیط‌های خصوصی و روابط عاطفی است که به بهانه ازدواج و رابطه سالم، میان دختر و پسر مطرح می‌شود و باعث شروع مشکلات متعدد و مختلفی برای هر دو به ویژه دختر می‌شود.

اثرات منفی رابطه نامشروع دختر و پسری بر آینده زندگی دختر

- با گذشت مدتی از رابطه‌ی دختر و پسری، به جهت تحریک احساسات طرفین، می‌تواند این رابطه گناه آلود شود و چه بسا به دلیل ایجاد شک و سوءظن از سوی پسر نسبت به پاک‌ی دختر، از ازدواج با دختر خانم صرف‌نظر کند.

- ممکن است بعد از سپری شدن مدتی از رابطه، نظر پسر به هر دلیلی (چه موجه و چه غیرموجه) نسبت به دختر عوض شود و او را برای ازدواج نپسندد و ضربه روحی بدی را دختر متحمل شود.

- چه بسا به دلیل مخالفت از سوی خانواده‌ها (چه خانواده پسر و چه خانواده دختر) دخترخانم نتواند با پسر موردنظر خود ازدواج کند و بی‌خودی وقت خود را برای رابطه هدر داده است.

- این امکان وجود دارد که بعد از گذشت مدتی از رابطه، دخترخانم متوجه شود که پسری که با او رابطه دارد، فرد مناسبی برای ازدواج نیست. غافل از آنکه در این مدت بسیاری از موردهای مناسب را بدون دلیل منطقی رد کرده است.

- در مواردی امکان دارد که در جریان رابطه میان طرفین اختلاف یا بگو و مگو بوجود آید که می‌تواند مانع ازدواج طرفین با همدیگر شود.

- احساس گناه و عذاب وجدان از یک طرف و از طرفی دیگر؛ احساس خیانت به همسر آینده، در هنگام اتمام رابطه، به سراغ اکثر دخترخانم‌هایی که چنین رابطه‌ای را تجربه کرده‌اند، می‌آید و موجب آزار روحی و روانی آنان می‌شود.

- به دلیل داشتن اینگونه روابط و متعاقب آن بوجود آمدن عشق و علاقه، دخترخانم چه بسا موقعیت‌های مناسب ازدواج را در این مدت از دست بدهد.

- چه بسا دخترخانم در اینگونه روابط، دچار عشق یک طرفه نسبت به پسر مورد علاقه خود شود که می‌تواند مانع ازدواج بعدی او گردد.

- لو رفتن و بر ملا شدن رابطه سبب لطمه به آبروی دخترخانم و خانواده‌اش می‌گردد، بطوریکه می‌تواند مانع ازدواج آینده دختر شود. البته در اینجا خود پسر نیز می‌تواند متضرر شود، ولی مسلماً به اندازه خود دختر متضرر نمی‌شود.

- ممکن است دخترخانم نتواند حتی بعد از ازدواج با فرد دیگر، از فکر پسر مورد علاقه خود بیرون بیاید که برای دخترخانم طاقت فرسا خواهد بود.

- ممکن است دخترخانم، همسر آینده خود را مدام با کسی که با او رابطه داشته است مقایسه کند و از این بابت با همسرش دچار مشکل

شود و به همین خاطر نتواند همسر خود را مانند اولین عشق خود، دوست بدارد.
- چه بسا دخترخانم به خاطر مورد سوءاستفاده واقع شدن از سوی جنس مخالف، نسبت به جنس مخالف زده و بی اعتماد شود.

پی‌نوشت‌ها:

[1]. سوره الذاریات، آیه 56

[2]. هدف زندگی، استاد مطهری، ص 75 و 76

[3]. من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 380، ح 5812

عقیل مصطفوی مجد